

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درسنامه درس چهارم منطق



گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

اقسام و شرایط تعریف

در علوم: برای فهم اصطلاحات تخصصی نیاز داریم که در آن علم تعریف شوند

در بحث و گفتگوی میان افراد: چرا که بسیاری از اختلافات در مشخص نبودن مفاهیم و نداشتن تعریف دقیق از آن هاست. پس به تعریف مشترک نیاز داریم.

در زندگی: یادگیری تعریف و قواعد آن، ما را از خطاهای ذهنی و مغالطات دور می کند.

چرا بحث تعریف اهمیت دارد؟

اقسام تعریف

هرگاه ما در مورد «چیستی» یک مفهوم بپرسیم؛ به چند روش می توانیم به این پرسش پاسخ دهیم.

روش اول

مراجعه به کتاب لغت: معنای آن مفهوم مجهول را می توانیم مطالعه کنیم. هرگاه به کمک

معنای لغوی یک مفهوم را تعریف کنیم به آن «**تعریف لغوی**» می گوییم.

چند نکته:

۱- در تعریف لغوی، «معنای لغوی یک مفهوم» یا « مترادف های آن» و یا «نحوه شکل گیری لغوی آن» بیان می شود.

۲- در تعریف لغوی، از لغات و اصطلاحات مترادف و آشنا برای شنونده استفاده می شود.

۳- نام دیگر تعریف لغوی: **تعریف لفظی** است.

نمونه:

طاس چیست: در لغت طشت بزرگ ، نوعی کاسه مسی ، پیاله و..

روش دوم

تعریف از طریق ذکر مصادیق: در این روش نمونه خارجی و مصداق را نشان می دهیم.

نکته:

در این تعریف از نمونه ها یا تصاویری از مصادیق مفهوم مورد نظر استفاده می کنیم. این تعریف در ارتباط با واژگانی مناسب است که بتوان به نحوی مصادیق آن مفهوم را به افراد معرفی کرد.

این تعریف برای مفاهیم انتزاعی به کار نمی رود.

نام دیگر تعریف از طریق ذکر مصادیق: **تعریف به مثال** است.



نمونه: طاس

روش سوم

تعریف مفهومی (تعریف به مفاهیم عام و خاص): ابتدا تعریف را با مفهوم «عام» شروع می کنیم و سپس مفهوم «خاص» را به کار می گیریم.

مثلت: شکل سه ضلعی

خاص

عام

ترکیب انواع تعریف با یکدیگر: از آنجا که هدف از تعریف کردن، شناساندن مفاهیم و صورهای مجهول برای شنونده است در بیشتر موارد ارائه مجموعه ای از چند نوع مختلف از تعریف، به معرفی بهتر آن مفهوم کمک می کند.

نمونه: انتشارات: جمع انتشار و نشر، سازمانی است که فرآیند تولید کتاب را برعهده دارد. مانند انتشارات مشاوران، سمت و...

ذکر مصادیق

مفهومی

لغوی

WEB : FARAHOOSH99.IR

لغوی (لفظی)

ذکر مصادیق

مفهومی

اقسام تعریف :

تمرین: ۳۳ : اقسام تعریف های زیر را مشخص کنید.

لغوی	نبی: ذکر مصادیق	نبی: مفهومی	بیماری های ویروسی: ذکر مصادیق
سوبسید: لغوی	مسجد: مفهومی	خانه: ذکر مصادیق	خفاش: مفهومی
			انسان: مفهومی

واضح بودن: از واژه های آشنا برای شنونده استفاده کنیم تا واضح و قابل فهم باشد. از واژه هایی که درک آنها برای شنونده دشوارتر است استفاده نکنیم. و از مفاهیم روشن و شناخته تر استفاده کنیم.

نمونه: قله: چکاد یم: قماقم

جامع بودن: تعریف باید تمامی مصادیق آن مفهوم را در بر گیرد. و به عبارتی جامع افراد باشد.

نمونه: مثلث شکلی که دارای سه ضلع مساوی است شامل برخی مثلث مانند مثلث قائم الزاویه نمی شود

مانع بودن: تعریف باید تنها بر مصادیق آن مفهوم صدق کند و بر مصادیق مفاهیم دیگر صدق نکند. و به عبارتی مانع اغیار باشد.

نمونه: تعریف آئینه به شی که نور را منعکس می کند درست نیست زیرا تنها بر آئینه صدق نمی کند و سایر اشیا صیقلی رو شامل می شود.

دوری نبودن: تعریف یک چیز با استفاده از خودش مانند زمان: امری که با ساعت که همان ابزار اندازه گیری زمان است سنجیده می شود.

شرایط تعریف صحیح

روش تشخیصی برای جامع بودن و مانع نبودن

مفهوم انار شیرین

سوال اول: آیا همه ی انارها شیرین هستند. بله (جامع است) خیر (جامع نیست)

سوال اول برای دریافت جامع بودن مطرح می شود. که جواب بله شد یعنی جامع است جواب خیر شد یعنی جامع نیست

سوال دوم: آیا فقط انار میوه شیرین است. بله (مانع است) خیر (مانع نیست)

سوال دوم برای مانع بودن مطرح می شود. که جواب بله شد یعنی مانع است و جواب خیر شد یعنی مانع نیست.

تمرین ص ۳۶

فراهوش

انسان : حیوان راست قامت:	مانع نیست
زمان: امری است که با ساعت که همان ابزار اندازه گیری است سنجیده می شود:	دوری است
پرنده: حیوانی که پرواز می کند.	جامع نیست
خورشید: سکه طلایی آسمان	واضح نیست
یم: قماقم	واضح نیست

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA_H00SH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

به نام خدا

درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی

فراهوش

آشنایی با استدلال استقرایی و انواع آن

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این درس بتواند استدلال استقرایی را تعریف کند، تفاوتش با استدلال قیاسی را بیان کند. انواع استدلال استقرایی را در مصادیق تشخیص دهد. بتواند توضیح دهد چرا یک استدلال استقرایی اشتباه است.

۱. محتوای درس:

استدلال

مجموعه دو یا چند قضیه که اگر مجموعشان را صادق فرض کنیم نتیجه نیز صادق است.

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

استقرایی

بر اساس مقدمات، نتیجه محتملاً درست است.

قیاسی

بر اساس مقدمات، نتیجه ضرورتاً درست است.

CreatePDF



گروه مشاوره فراهوش
INSTAGRAM : FARA_H00SH99
WEB : FARAHOOSH99.IR

اهداف یادگیری:

آشنایی با مفهوم و مصداق

آشنایی با مفهوم کلی و جزئی و اقسام آنها

آشنایی با نسبت های 4 گانه

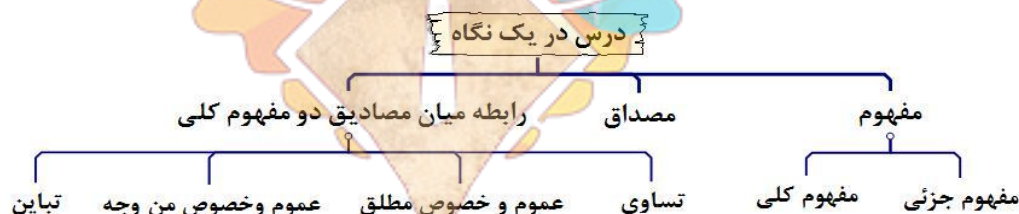
آشنایی با طبقه بندی مفاهیم

انتظارات پس از مطالعه:

بتواند برای مفهوم، مصداق، مفهوم کلی، مفهوم جزئی و نسبت های 4 گانه مثال زده و آنها را از هم تشخیص دهد

بتواند مفاهیم را به درستی طبقه بندی کند

درسنامه درس سوم



در درس گذشته با چند نوع مغالطه و نحوه ارتباط ذهن و زبان آشنا شدید. در این درس ارتباط ذهن و خارج

(مفهوم و مصداق) بیان می شود: [INSTAGRAM : FARA_HOOSH99](https://www.instagram.com/FARA_HOOSH99)

✓ به معنایی که از کلمات و الفاظ می فهمید و درک می کنید مفهوم گویند مثلاً به معنایی که از کلمه درخت

می فهمید و درک می کنید مفهوم درخت گفته می شود.

✓ به آن چیزی که مفهوم بر آن صدق کند مصداق گویند مثلاً مفهوم مثلث، شکل سه ضلعی است و هر

مثلی که در خارج رسم شود، مصداق این مفهوم است. یا مریم و علی که مفهوم انسان بر آنها صدق

می کند، مصداق انسان هستند.

✓ مفهوم همیشه در ذهن است اما مصداق گاهی اوقات در ذهن است (مصداق ذهنی یا فرضی) و گاهی اوقات در خارج از ذهن (مصداق واقعی)، مثلاً مفهوم «کوه» در ذهن است اما برخی از مصداق‌های کوه در خارج از ذهن هستند (کوه دماوند) و برخی مصداق‌های آن فرضی (در ذهن) هستند (کوه یاقوت)

مفهوم کلی و مفهوم جزئی

فراہوش

- مفہوم‌ها یا کلی هستند یا جزئی.
- اگر مفہومی، مصداق آن کاملاً مشخص باشد و قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را نداشته باشد (نتوان برای آن افراد متعدد فرض کرد) مفہومی جزئی است.
- مفہوم جزئی اقسام متعددی دارد:
- 1- هر مفہومی که به آن اشاره شود جزئی است مانند: آن قلم - این کتاب‌ها
- 2- اسامی خاص بر مفہوم جزئی دلالت دارند مانند: رود ارس - کوه سبلان - سعدی - رودخانه هلیل رود - دانشگاه شهید باهنر - فرزاد
- مفہومی که قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را دارد، مفہومی کلی است. خواه مصداق‌های آن واقعی و در خارج از ذهن باشند و یا خیالی و فرضی. (به عبارت دیگر مفہوم کلی، مفہومی است که بتوان افراد متعددی برای آن فرض کرد)
- برای تشخیص کلی بودن یک مفہوم، صرفاً به مصادیق واقعی و موجود آن توجه نمی‌کنیم بلکه مصادیق فرضی و خیالی آن را هم مورد توجه قرار می‌دهیم.
- مفہوم کلی اقسام متعددی دارد:
- 1- مفہومی که هم مصداق‌های متعدد خارجی دارد و هم مصداق‌های فرضی مانند: «ماشین»
- 2- مفہومی که فقط یک مصداق خارجی دارد (کلی واحد المصداق) و بقیه مصداق‌های آن فرضی است مانند: «خدا» - «آخرین پیامبر»
- 3- مفہومی که هیچ مصداق خارجی ندارد و فقط مصداق‌های فرضی یا خیالی دارد مانند: «اسب بالدار»، «کوه یاقوت»، «شریک برای خداوند»

نکاتی راجع به کلی و جزئی

- هر تعداد مفاهیم کلی به یک مفهوم کلی اضافه شود آن را جزئی نمی‌کند بلکه تعداد مصادیق آن را کم‌تر می‌کند مثلاً از مفاهیم «معلم»، «معلم منطق»، «معلم منطق مدرسه دخترانه»، «معلم منطق مدرسه دخترانه ناحیه دو»، مفهوم «معلم» نسبت به مفاهیم دیگر دارای بیشترین مصداق و مفهوم «معلم منطق مدرسه دخترانه ناحیه دو» دارای کمترین مصداق است اما هر دو مفهوم، کلی‌اند.
- اگر یک مفهوم کلی به یک مفهوم جزئی اضافه شود، آن مفهوم، بازهم کلی است در اینجا منظور از اضافه، اضافه تعلقی است یعنی مضاف نوعی تعلق به مضاف الیه داشته باشد؛ مانند کتاب مریم، دوست محمد، خواهر من، تنها فرزند علی. مفاهیم ذکر شده همگی کلی هستند زیرا هم ممکن است مصادیق متعدد خارجی داشته باشند و هم می‌توان برایشان مصادیق متعددی فرض کرد مثلاً در مورد «تنها فرزند علی» می‌توان فرض کرد که علی تنها فرزند خود را از دست بدهد و بعد از مدتی صاحب فرزند دیگری شود که مفهوم «تنها فرزند علی» بر او هم صدق کند.
- ترکیب‌هایی مانند «خیابان حافظ»، «شهر کرمان»، از نوع اضافه تعلقی نیستند زیرا منظور خیابانی متعلق به حافظ و یا شهری متعلق به کرمان نیست بلکه منظور خیابانی که نامش حافظ و شهری که نامش کرمان است، می‌باشد از این رو مفاهیم ذکر شده اسم خاص و جزئی می‌باشند.
- القاب و عناوین تاریخی مانند «بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران»، «رهبر کبیر انقلاب» و «ضامن آهو» گرچه در طول تاریخ برای افراد خاصی به کاررفته‌اند اما اسم خاص نیستند و جزئی به شمار نمی‌آیند مگر آن‌که در موردی به اسم خاص تبدیل شده باشند. (مثلاً «باقر» که لقب امام پنجم (ع) است و به اسم خاص ایشان تبدیل شده است).
- مجموعه‌های مشخص جزئی هستند مانند: «این کتاب‌ها»، «معلمان مدرسه ما 20 نفرند» و ...
- آوردن ادات جمع «ها» در انتهای کلمه، آن را کلی نمی‌کند زیرا مثلاً به جای این‌که فرد بگوید این کتاب و این کتاب و این کتاب، گفته «این کتاب‌ها».
- وقتی می‌گوییم «معلمان مدرسه ما 20 نفرند»، معلمان مدرسه ما یک مجموعه خاص و معین است.
- «سیندرلا»، «بتمن»، «رخش» و غیره که اسم خاص افراد و قهرمان‌های خیالی هستند بر مفهومی جزئی دلالت دارند.
- اگر مفهومی جزئی به جزئی دیگری اضافه شود بازهم جزئی است مانند: رخس رستم - ذوالفقار علی (ع)

سؤال: ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چرا باوجود اینکه مثلاً نام افراد زیادی حمید، حسن و زهرا است و یا در بیشتر شهرهای ایران میدانی به نام میدان آزادی داریم اما گفته می‌شود که هر یک از این اسامی بر یک مفهوم جزئی دلالت می‌کند؟

پاسخ این است که اولاً اسامی وقتی نام خاص افراد، مکان‌ها، حیوانات و غیره قرار می‌گیرند معنای اولیه خود را از دست می‌دهند و صرفاً معنی «این فرد یا این شیء معین» را به خود می‌گیرند یعنی مانند اسم اشاره عمل می‌کنند، مثلاً لفظ علی در اصل برای معنی «بلندمرتبه» گذاشته شده است ولی وقتی به عنوان اسم خاص بر روی افراد گذاشته می‌شود برای هر فرد، معنی «آن شخص» را به خود می‌گیرد از این رو جزئی محسوب می‌شود، مثلاً وقتی گفته می‌شود علی دانش آموز است منظور این نیست که انسان بلندمرتبه‌ای دانش آموز است بلکه یعنی آن فرد معین، دانش آموز است در حالی که هرگاه لفظ علی به عنوان یک صفت یعنی به معنی (بلندمرتبه) به کار رود، کلی خواهد بود، زیرا قابل انطباق بر افراد متعدد می‌باشد

ثانیاً وضع (قرار دادن و گذاشتن) اسامی خاص بر روی افراد و بر روی مکان‌ها، به نحو جداگانه صورت گرفته است یعنی حسن بودن نام فرزند یک نفر، ربطی به حسن بودن نام فرزند فرد دیگری ندارد و یا اگر در تمام شهرهای ایران میدانی به نام میدان آزادی وجود داشته باشد، میدان آزادی اسم خاص و جزئی است زیرا برای هر میدان در هر بار، وضع جداگانه‌ای صورت گرفته است.

نسبت های 4 گانه

بین دو مفهوم کلی از لحاظ مصداق‌هایشان، چهار نسبت برقرار می‌شود که به نسبت‌های چهارگانه شهرت دارند: 1- تساوی: دو مفهوم کلی مصادیق کاملاً مشترکی دارند، یعنی هر فردی که مفهوم اول بر آن صدق کند مصداق مفهوم دوم نیز هست و برعکس.

در این رابطه می‌توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن‌ها در قالب (هر ... است) دو قضیه صادق ساخت:


مثال: یک متر و صد سانت هر یک متری صد سانت است، هر صد سانتی یک متر است.

دایره‌های مصادیق در تساوی، منطبق بر هم است



2- تباین: دو مفهوم کلی هیچ مصداق مشترکی ندارند، مانند «کوه» و «دریا»
در این رابطه می توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن ها در قالب (هیچ ... نیست)، دو قضیه صادق ساخت:

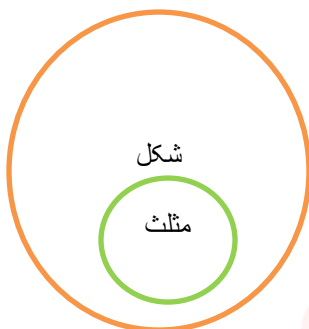
مثال: کوه و دریا هیچ کوهی دریا نیست و هیچ دریایی کوه نیست.
دایره های مصادیق در تباین، متخارج است



3- عموم و خصوص مطلق: دایره مصادیق یکی از دو مفهوم کلی، بزرگ تر از دیگری است و تمام مصادیق مفهوم کوچک تر را نیز شامل می شود.

در این رابطه می توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن ها در قالب (هر ... است)، (بعضی ... است) و (بعضی ... نیست)، سه قضیه صادق ساخت:

مثال: شکل و مثلث هر مثلثی شکل است، اما بعضی شکل ها مثلث هستند و بعضی شکل ها مثلث نیستند.
نکته: به مفهومی که دایره مصادیقش بزرگ تر است (مصادیق بیشتری دربرمی گیرد) مفهوم «عام» و به مفهومی که دایره مصادیقش کوچک تر (مصادیق کمتری دربرمی گیرد) مفهوم «خاص» گویند. کلمه «مطلق» بیان گر این است که فقط یک مفهوم از مفهوم دیگر عام تر است.
دایره های مصادیق در عموم و خصوص مطلق، متداخل است.



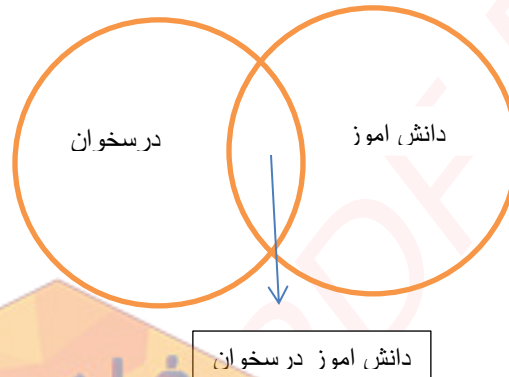
4- عموم و خصوص من وجه: در این حالت، دو مفهوم، بعضی مصداق هایشان مشترک است و بعضی مصداق هایشان مشترک نیست.

در این رابطه می توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن ها در قالب (بعضی ... است) و (بعضی ... نیست)، چهار قضیه صادق ساخت:

مثال: دانشجو و درس خوان بعضی دانشجوها درس خوان هستند و بعضی دانشجوها درس خوان نیستند. بعضی درس خوانها دانشجو هستند و بعضی درس خوانها دانشجو نیستند.

نکته: «من وجه» به معنای «از جهتی» است و منظور این است که هر یک از دو مفهوم، نسبت به دیگری از جهتی عام است یعنی مصادیقی دارد که مفهوم دیگر ندارد و از جهتی خاص است یعنی مفهوم دیگر، مصادیقی

دارد که این مفهوم ندارد.
دایره‌های مصادیق در عموم و خصوص من وجه، متقاطع است.



یکراه دیگر برای تشخیص نسبت‌های چهارگانه:

می‌توان هر مثالی را در قالب «هر الف ب است و هر ب الف است» بازسازی کرد. اگر هر دو درست بودند (نسبت تساوی)، اگر یکی درست و یکی غلط بود (نسبت عموم و خصوص مطلق) و اگر هر دو غلط بودند نسبت یا تباین یا عموم و خصوص من وجه است مانند:

الف) جسم و دارای مکان

هر جسمی دارای مکان است، هر دارای مکانی، جسم است (هر دو درست، پس تساوی است)

ب) چنار و درخت

هر درختی، چنار است، هر چناری، درخت است (جمله اول غلط و جمله دوم درست است یعنی بعضی درختان چنار هستند، بعضی درختان چنار نیستند اما هر چناری درخت است، پس عموم و خصوص مطلق است)

ج) انسان و درخت

هر انسانی درخت است و هر درختی انسان است (هر دو غلط است زیرا هیچ انسانی درخت و هیچ درختی انسان نیست، پس تباین است)

د) لباس و سبز

هر لباسی سبز است و هر سبزی لباس است (هر دو غلط است اما لباس سبزرنگ وجود دارد، یعنی بعضی لباس‌ها سبز هستند، بعضی لباس‌ها سبز نیستند، بعضی سبزه‌ها لباس هستند، بعضی سبزه‌ها لباس نیستند پس

عموم و خصوص من وجه است

کاربرد نسبت های 4گانه در طبقه بندی مفاهیم:

- مفاهیم کلی و رابطه میان آنها در بحث تعریف و اقسام قضایا کاربرد دارد .
- در یک طبقه بندی صحیح، از مفهوم عام آغاز می کنیم تا به مفهومی خاص برسیم. لازم است بین مفاهیم هر طبقه با مفاهیم طبقه دیگر نسبت «عموم و خصوص مطلق» و بین اقسام یک طبقه نسبت «تباین» برقرار باشد.

❖ طبقه بندی مفاهیم

- وقتی تعدادی مفاهیم مرتبط باهم داشته باشیم می توانیم آنها را به طور منطقی دسته بندی و سپس طبقه بندی کنیم مثلاً فرض کنیم می خواهیم مفاهیم زیر را طبقه بندی کنیم:
آسیایی - عراقی - نجفی - شیرازی - رفسنجانی - کوفی - یزدی - بغدادی - ایرانی - کرمانی - سیرجانی
نخست مفاهیمی که نسبت بین آنها عموم و خصوص مطلق است را مشخص می کنیم مثلاً:
(آسیایی و ایرانی) - (آسیایی و عراقی) - (عراقی و نجفی) - (عراقی و بغدادی) - (عراقی و کوفی) - (ایرانی و شیرازی) - (سیرجانی و کرمانی) و غیره
در مرحله بعد، مفاهیم عام تر را قبل و مفاهیم خاص تر را بعد از آنها یعنی به عنوان اقسام مفهوم عام تر قرار می دهیم.



- همان طور که ملاحظه می کنید اقسام مختلف یک طبقه با یکدیگر نسبت تباین دارند مانند نجفی و بغدادی یا عراقی و ایرانی و هر طبقه از مفاهیم نسبت به طبقه دیگر رابطه عموم و خصوص مطلق دارند مانند آسیایی و عراقی یا ایرانی و یزدی.

تفاوت کل و کلی

هرگز مفاهیم «کل» و «کلی»؛ «جزء» و «جزئی» را با یکدیگر اشتباه نگیرید. کلی در مقابل جزئی قرار دارد و کل در مقابل جزء. برای فهم تفاوت این دو به این نکات توجه کنید:

1- کل از اجتماع اجزاء خود و پس از شکل گیری آن‌ها پدید می‌آید

مثلاً ساعت یک کل است و پس از درست شدن عقربه، صفحه، باطری و... شکل می‌گیرد، اما رابطه کلی با جزئی این‌گونه نیست.

2- کل بدون جزء بی‌معناست و با از بین رفتن اجزایش، از میان می‌رود، ولی کلی می‌تواند هیچ مصداق واقعی (خارج از ذهن) نداشته باشد، مانند مفهوم کلی «دریای جیوه» و یا ممکن است مصادیق آن،

همه از بین بروند مانند مفهوم «دایناسور»

3- بین کل با هر یک از اجزایش نسبت تباین برقرار است و نه عموم و خصوص مطلق، مثل -

«اتومبیل» و «چرخ اتومبیل»

(هیچ اتومبیلی، چرخ اتومبیل نیست و هیچ چرخ اتومبیلی، اتومبیل نیست)

4- کل و جزء می‌توانند هم کلی لحاظ شوند و هم جزئی، مثلاً میز یک کل است و پایه میز، جزء محسوب

می‌شود.

حال اگر پرسیده شود مفاهیم میز و پایه میز کلی هستند یا جزئی؟ پاسخ درست، کلی است اما اگر گفته شود

این میز یا این پایه میز، این مفاهیم جزئی هستند اما باز هم «این میز» یک کل و «این پایه میز»، جزء محسوب

می‌شود

..... پاسخ تمرین‌های کتاب درسی

درس سوم

تمرین ص 21

کلی: خداوند- مولود کعبه- درخت- درخت سرو- کتاب- پسر- پسر احمد- مشهد (به معنای محل شهادت)

جزئی: الله - حضرت علی علیه‌السلام - این کتاب- آن پسر- مریخ- مشهد (نام شهری در استان خراسان

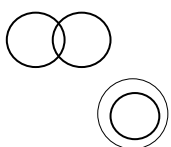
رضوی)

تمرین ص 24

آفریقایی - آسیایی

مسلمان- آسیایی (عموم و خصوص من وجه)

هندی- آسیایی (عموم و خصوص مطلق)



INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

مثلث-شکل سه ضلعی (تساوی)

فعالیت تکمیلی ص 26

سؤال 1

جزئی: میدان آزادی، جبرئیل، خوشه پروین، خلیج فارس، ابن سینا، این کلاس، نرگس (اسم خاص)
کلی: عدد، خیابان، نرگس (نوعی گل)

سؤال 2

الف) حافظ نخست جزئی و حافظ دوم کلی است.
ب) بهمن در هر دومورد کلی (پدیده بهمن) و (اسم خاص یک ماه) است.
ج) «نجف اشرف» جزئی و «مرقد امامزادگان» کلی است.

سؤال 3

تساوی: عدد قابل تقسیم بر دو-زوج
تباين: مثلث - دایره، موازی - متقاطع
عموم و خصوص من وجه: پرند و سیاه - شاعر و دانش آموز
عموم و خصوص مطلق: مثلث و شکل، مثلث و مثلث متساوی الاضلاع، شعر و غزل

سؤال 4

مرد: شامل پیرمرد، پسر بچه

زن: شامل پیرزن و ...

انسان
اسب

گیاه
موجودزنده
حيوان

گروه متساوره فراهوش

عراقی: کربلایی و ...
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

ایرانی: خوزستانی: اهوازی و ...
WEB : FARAHOOSH99

خراسانی: مشهدی و ...

تهرانی

آفریقایی
انسان
آسیایی

نمونه سوال با پاسخ

📖 به سؤالات پاسخ مناسب دهید:

(1) کدام گزینه به «مفهوم» و کدام گزینه به «مصدق» اشاره دارد؟
الف) درک معنای «عدم و نیستی» (ب) این کتاب به زبان فرانسوی است.

(2) عبارات زیر به کدام یک از نسبت‌های چهارگانه اشاره دارد؟

الف) دو مفهوم مصداق مشترک ندارند.

1- عموم و خصوص من وجه

ب) فقط یک مفهوم عام تراز مفهوم دیگر است.

2- تباین

ج) دو مفهوم، فقط بعضی از مصادیقشان مشترک است.

3- عموم و خصوص مطلق

4- تساوی

(3) ابتدا مشخص کنید میان کدام یک از مفاهیم پرنده، دانه خوار، عقاب، گوشت خوار، پروانه، حیوان، کبوتر، حشره و کرکس نسبت عموم و خصوص مطلق و میان کدام یک نسبت تباین برقرار است و سپس با کمک مفاهیم ذکر شده، طبقه‌بندی زیر را تکمیل کنید.



(4) بین مفاهیم زیر چه نسبتی از نسبت‌های چهارگانه وجود دارد؟ جاخالی را با توجه به همان نسبت تکمیل نمائید.

الف) نقره و فلز (.....)، بعضی فلزات نقره هستند، (.....) نام نسبت (.....)

(5) دایره‌های زیر، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه را نشان می‌دهد و بین پاسخ‌های داده شده، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟

الف) (.....) (ب) (.....) (ج) نسبت بین «الف» و «ب»

گروه مشاوره فراهوش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

(6) برای موارد خواسته شده مثال بزنید:

WEB : FARAHOOSH99.IR

الف) مفهوم کلی‌ای که هم مصادیق متعدد خارجی و هم مصادیق ذهنی دارد.

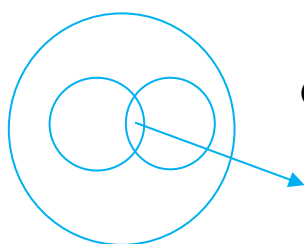
ب) مفهوم کلی‌ای که فقط یک مصداق خارجی دارد.

ج) مفهوم کلی‌ای که هیچ مصداقی در خارج ندارد.

7) میان مفاهیم زیر چه نسبتی از نسبت‌های چهارگانه (نسب اربعه) وجود دارد؟

الف) مفهوم کلی و مفهوم جزئی (ب) علم و تصور (ج) تعریف و استدلال (د) فکر و تعریف (ه) نسبت‌های چهارگانه و تساوی

8) برای هر یک از مفاهیم زیر حداقل دو مصداق بنویسید و سپس مشخص کنید که هر یک از دایره‌های روبرو مربوط به مصادیق کدام‌یک از مفاهیم ذکر شده می‌باشد؟



1- (شکل) 2- (چهارضلعی) 3- (چهارضلعی قائم‌الزاویه) 4- (قائم‌الزاویه)

شماره 1 شماره 2 شماره 3 شماره 4

9) مفاهیم زیر را از اعم به اخص مرتب کنید و بگویید که هر چه محتوای مفهوم بیشتر باشد تعداد مصادیق بیشتر می‌شود یا کمتر؟

«مدرسه ابتدایی دخترانه»، «مدرسه»، «مدرسه ابتدایی دخترانه ناحیه یک»، «مدرسه ابتدایی»

10- کدام‌یک از مفاهیم زیر کلی و کدام‌یک جزئی است؟

«خیابان حافظ»- «میدان انقلاب»، «ایرانی»، «قاره»، «قاره آسیا»، «عدالت»، «عدالت امام علی علیه‌السلام»،

«بهترین دوست من»

11) میان مصادیق «شتر» و «چهارپا» چه رابطه‌ای از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟

12) با توجه به جمله (حسن دانش‌آموز باهوش و مؤدبی است) به سؤالات طرح‌شده، پاسخ مناسب دهید:

الف) در عبارت فوق، یک «مفهوم جزئی» و یک «مفهوم کلی» بیابید.

ب) در عبارت فوق مفاهیمی بیابید که نسبتشان «عموم و خصوص من وجه» باشد.

13) مفاهیم زیر را طبقه‌بندی کنید:

خطاطی، فیلم جنایی، موسیقی، فیلم کمدی، هنرهای تجسمی، نستعلیق، هنر، فیلم

14) با مرور دوباره تعریف جزئی و کلی توضیح دهید که خود مفاهیم جزئی و کلی جزئی هستند یا کلی؟

15) آیا در عبارات زیر «مفهوم» و «مصداق» در جایگاه اصلی خود بکار رفته‌اند؟ اگر چنین نیست عبارات را

تصحیح کنید:

WEB : FARAHOOOSH99.IR

الف) آن کاغذی که پیش رودارید، مفهومی برای لفظ کاغذ است.

ب) در قضیه «سعدی شاعر است»، سعدی یکی از مصداق‌های شاعر است.

16) به ازاء هر یک از عبارتهای زیر چند مورد از نسبت‌های چهارگانه ممکن است برقرار باشد؟

الف) هیچ الف ب نیست ب) هر الف ب است

17) از نسبت دادن دو مفهومی که بینشان رابطه تباین برقرار است، چند قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

18) از نسبت دادن دو مفهومی که بینشان رابطه تساوی برقرار است چند قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

19) حاصل کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه، سه قضیه است؟ مثال بزنید.

20) در کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه است که چهار قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

21) با ذکر مثال و ترسیم شکل (دایره‌ها) مشخص نمایید در کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه مصادیق یک مفهوم عام‌تر از دیگری است.

📖 جملات را با ذکر دلیل مناسب کامل کنید:

22) «عدد یک» مفهومی جزئی نیست زیرا.....

23) بین دو مفهوم (حجم و مکعب) نسبت «عموم و خصوص مطلق» برقرار است زیرا.....

📖 جاخالی‌ها را تکمیل کنید:

24) به افراد یا اشیائی که مفهوم بر آن صدق می‌کند..... گویند.

25) مفهومی که فقط قابلیت انطباق بر یک فرد را داشته باشد..... گویند.

26) اسامی خاص و هر چه با «این» و «آن» بیاید، بر مفهومی..... دلالت می‌کند.

27) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که مصداق مشترکی نداشته باشند، نسبتشان..... است.

28) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که مصداق‌هایشان کاملاً مشترک باشد، نسبتشان..... است.

29) اگر دایره یکی از مفاهیم بزرگ‌تر از دیگری باشد و تمام مصادیق دیگری را در برگیرد، نسبتشان..... است.

30) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که در برخی مصادیق اشتراک داشته باشند، نسبتشان..... است.

31) با توجه به وجوه..... میان مفاهیم مشابه و وجوه..... میان مفاهیم غیرمشابه، مفاهیم را طبقه‌بندی می‌کنیم.

32) رابطه میان دو مفهوم کلی در مبحث..... و..... کاربرد دارد.

📖 درستی یا نادرستی عبارات را مشخص کنید:

33) برخی مفاهیم کلی فقط دارای یک مصداق خارجی می‌باشند و برخی هیچ مصداق خارجی ندارند.

34) میان مصادیق دو مفهوم جزئی نسبت‌های چهارگانه برقرار می‌شود.

35) میان مصادیق دو مفهوم (مغالطه و مغالطه اشتراک لفظ) نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است.

- 36) مفاهیمی مانند «مسجد و نماز» هیچ مصداق مشترکی ندارند.
- 37) وقتی گفته می‌شود مفهوم کلی قابلیت صدق بر افراد متعدد را دارد، به این معناست که حتماً افرادی در خارج دارد.
- 38) بین «صندلی» و «پایه صندلی» نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است.
- 39) بین یک مفهوم کلی و یک مفهوم جزئی مانند «کشور» و «ایران» نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد.
- 40) اقسام مختلف یک مفهوم نسبت به یکدیگر رابطه تباین دارند مانند «موجود و موجود زنده»
- 41) مفاهیم «گره و وحشی» به گونه‌ای هستند که بعضی از مصداقشان غیرمشترک است.
- 42) گاهی اوقات مفاهیم کلی قابلیت انطباق بر افراد واقعی دارد مانند «انسان» و گاهی اوقات بر افراد فرضی و خارجی مانند «شریک خدا»

پاسخ

1-الف) مفهوم ب) مصداق

2-الف) تباین

ب) عموم و خصوص مطلق

ج) عموم و خصوص من وجه

- 3-الف) عموم و خصوص مطلق (حیوان و پرنده، حیوان و حشره، حیوان و دانه‌خوار، حیوان و گوشت‌خوار، گوشت‌خوار و عقاب، حشره و پروانه، حیوان و کبوتر)
- تباین (عقاب و کرکس - کبوتر و پروانه، دانه‌خوار و گوشت‌خوار، حشره و پرنده)

ب) دانه‌خوار ← کبوتر

پرنده }
 کرکس }
 عقاب } گوشت‌خوار } حیوان

حشره ← پروانه

4- (هر نقره‌ای فلز است - بعضی فلزات نقره نیستند) نام نسبت (عموم و خصوص مطلق)

5-الف) تباین ب) عموم و خصوص مطلق ج) تباین

(بین نسبت تباین و نسبت عموم و خصوص مطلق، تباین برقرار است)

6-الف) انسان، صندلی، سیاره

ب) اولین امام شیعیان که مصداق واقعی آن حضرت علی علیه السلام است.

ج) کوه یاقوت

7- الف) تباین ب) عموم و خصوص مطلق ج) تباین

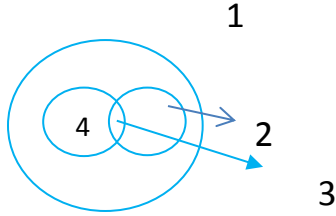
د) عموم و خصوص مطلق ه) عموم و خصوص مطلق

8- شماره 1 (مثلث، دایره، مربع و...)

شماره 2 (مربع، لوزی، ذوزنقه و غیره)

شماره 3 (مربع و مستطیل)

شماره 4 (مثلث قائم الزاویه، مربع، مستطیل و غیره)



9- ترتیب مفاهیم از اعم به اخص عبارت‌اند از: **فراہوش**

مدرسه < مدرسه ابتدایی < مدرسه دخترانه < مدرسه ابتدایی دخترانه ناحیه یک

هر چه محتوای مفهوم اجزای بیشتری داشته باشد، دایره مصادیق کوچک‌تر می‌شود و هرچه مفهوم اجزای کمتری داشته باشد دایره مصادیق بزرگ‌تر می‌شود.



مدرسه

مدرسه ابتدایی

مدرسه ابتدایی دخترانه

مدرسه ابتدایی دخترانه ناحیه یک

10- جزئی (خیابان حافظ، میدان انقلاب و قاره آسیا) کلی (ایرانی - قاره - عدالت - عدالت امام علی - بهترین دوست من)

دوست من

11- عموم و خصوص مطلق

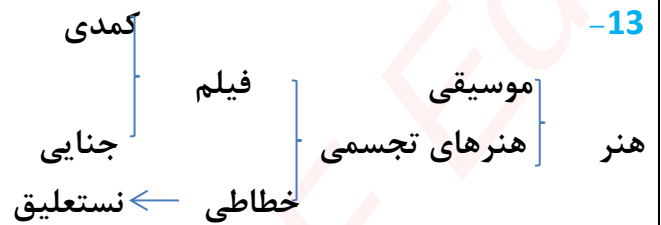
(هر شتری چهارپا است، بعضی چهارپایان شتر هستند، بعضی چهارپایان شتر نیستند).

12- الف) مفهوم جزئی (حسن)

مفهوم کلی (دانش آموز، باهوش، مؤدب، دانش آموز باهوش)

ب) (دانش آموز و باهوش)، (دانش آموز و مؤدب)، (باهوش و مؤدب)

فراہوش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR



14- خود «مفهوم جزئی» و «مفهوم کلی» هر دو کلی اند زیرا مصادیق متعددی دارند. مثال برای مصادیق مفهوم جزئی: ایران، سهیل، قله اورست

مثال برای مصادیق مفهوم کلی: انسان، خانه، مربع

15- الف) نادرست، لفظ کاغذ مفهومی دارد که آن کاغذ پیش رو، مصداق آن است.
ب) درست

16- الف) هیچ الف ب نیست (بین الف و ب تنها رابطه تباین برقرار است مثلاً هیچ سنگی اسب نیست. بین سنگ و اسب تباین برقرار است)

ب) هر الف ب است (بین الف و ب ممکن است رابطه تساوی و یا عموم و خصوص مطلق که الف کوچک تر است برقرار باشد).

17- دو قضیه، مانند نسبت بین دو مفهوم (تعریف و استدلال). هیچ تعریفی استدلال نیست، هیچ استدلالی تعریف نیست.

18- دو قضیه به دست می آید مانند (مثلث و سه ضلعی).
هر مثلثی سه ضلعی است، هر سه ضلعی مثلث است.

19- در عموم و خصوص مطلق، سه قضیه به دست می آید مانند: (شکل و بیضی). هر بیضی شکل است، بعضی شکل ها بیضی هستند، بعضی شکل ها بیضی نیستند.

20- در عموم و خصوص من وجه، چهار قضیه به دست می آید مانند: (کاغذ و سفید). بعضی سفیدها کاغذ هستند، بعضی سفیدها کاغذ نیستند، بعضی کاغذها سفید هستند، بعضی کاغذها سفید نیستند.

21- نسبت عموم و خصوص مطلق مانند (میوه و گیلان). مصادیق میوه از مصادیق گیلان بیشتر است.

22- می توان افراد متعددی برای آن فرض نمود.

23- مفهوم «حجم» همه مصادیق مکعب را دربرمی گیرد و علاوه بر آن مصادیق دیگری را نیز دربرمی گیرد.

24- مصداق

25- مفهوم جزئی

26- جزئی

27- تباین

28- تساوی

29- عموم و خصوص مطلق

30- عموم و خصوص من وجه

31- اشتراک، افتراق

32- تعریف و اقسام قضایا

33- درست

34- نادرست، این نسبت‌ها میان مصادیق دو مفهوم کلی برقرار می‌شود.

35- نادرست، عموم و خصوص مطلق

36- درست

37- نادرست، زیرا ممکن است مصداق خارجی نداشته باشد.

38- نادرست، تباین برقرار است چون صندلی یک «کل» و پایه آن «جزء» است و بین کل با اجزایش، نسبت تباین برقرار است.

39- نادرست؛ با توجه به کتاب درسی نسبت‌های چهارگانه فقط بین دو مفهوم کلی برقرار می‌شوند. «کشور» کلی و «ایران» جزئی است.

40- نادرست، مانند موجود غیرزنده و موجود زنده

41- درست، نسبتشان عموم و خصوص من وجه است و هر یک از مفاهیم «گره» و «وحشی» هم مصادیق مخصوص به خود دارند و هم مصادیق مشترک.

42- نادرست، کلمه خارجی باید از عبارت حذف شود زیرا «شریک خدا» مفهومی خیالی است و هیچ مصداق واقعی در خارج از ذهن ندارد.

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



درسنامه درس چهارم منطق

گروه مشاوره فراهوش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR

اقسام و شرایط تعریف

در علوم: برای فهم اصطلاحات تخصصی نیاز داریم که در آن علم تعریف شوند

در بحث و گفتگوی میان افراد: چرا که بسیاری از اختلافات در مشخص نبودن مفاهیم و نداشتن تعریف دقیق از آن هاست. پس به تعریف مشترک نیاز داریم.

در زندگی: یادگیری تعریف و قواعد آن، ما را از خطاهای ذهنی و مغالطات دور می کند.

چرا بحث تعریف اهمیت دارد؟

اقسام تعریف

هرگاه ما در مورد «چیستی» یک مفهوم پیرسیم؛ به چند روش می توانیم به این پرسش پاسخ دهیم.

روش اول

مراجعه به کتاب لغت: معنای آن مفهوم مجهول را می توانیم مطالعه کنیم. هرگاه به کمک معنای لغوی یک مفهوم را تعریف کنیم به آن «**تعریف لغوی**» می گوییم.

چند نکته:

۱- در تعریف لغوی، «معنای لغوی یک مفهوم» یا « مترادف های آن» و یا «نحوه شکل گیری لغوی آن» بیان می شود.

۲- در تعریف لغوی، از لغات و اصطلاحات مترادف و آشنا برای شنونده استفاده می شود.

۳- نام دیگر تعریف لغوی: **تعریف لفظی** است.

نمونه: **INSTAGRAM : FARAHOOSH99**
WEB : FARAHOOSH99.IR

طاس چیست: در لغت طشت بزرگ ، نوعی کاسه مسی ، پیاله و..

روش دوم

تعریف از طریق ذکر مصادیق: در این روش نمونه خارجی و مصداق را نشان می دهیم.

نکته:

در این تعریف از نمونه ها یا تصاویری از مصادیق مفهوم مورد نظر استفاده می کنیم. این تعریف در ارتباط با واژگانی مناسب است که بتوان به نحوی مصادیق آن مفهوم را به افراد معرفی کرد.

این تعریف برای مفاهیم انتزاعی به کار نمی رود.

نام دیگر تعریف از طریق ذکر مصادیق: **تعریف به مثال** است.



نمونه: طاس

تعریف مفهومی (تعریف به مفاهیم عام و خاص): ابتدا تعریف را با مفهوم «عام» شروع می کنیم و

سپس مفهوم «خاص» را به کار می گیریم.

روش سوم

مثلت: شکل سه ضلعی

خاص

عام

ترکیب انواع تعریف با یکدیگر: از آنجا که هدف از تعریف کردن، شناساندن مفاهیم و تصوره‌های مجهول برای شنونده است در بیشتر موارد ارائه مجموعه ای از چند نوع مختلف از تعریف، به معرفی بهتر آن مفهوم کمک می کند.

نمونه: انتشارات: جمع انتشار و نشر، سازمانی است که فرآیند تولید کتاب را برعهده دارد. مانند انتشارات مشاوران، سمت و...

ذکر مصادیق

مفهومی

لغوی

لغوی (لفظی)

ذکر مصادیق

مفهومی

اقسام تعریف :

تمرین: ۳۳ : اقسام تعریف های زیر را مشخص کنید.

لغوی	نبی: ذکر مصادیق	نبی: مفهومی	بیماری های ویروسی: ذکر مصادیق
سوبسید: لغوی	مسجد: مفهومی	خانه: ذکر مصادیق	خفاش: مفهومی
			انسان: مفهومی

واضح بودن: از واژه های آشنا برای شنونده استفاده کنیم تا واضح و قابل فهم باشد. از واژه هایی که درک آنها برای شنونده دشوارتر است استفاده نکنیم. و از مفاهیم روشن و شناخته تر استفاده کنیم.

نمونه: قله: چکاد بیم: قماقم

جامع بودن: تعریف باید تمامی مصادیق آن مفهوم را در بر گیرد. و به عبارتی جامع افراد باشد.

نمونه: مثلث شکلی که دارای سه ضلع مساوی است شامل برخی مثلث مانند مثلث قائم الزاویه نمی شود

مانع بودن: تعریف باید تنها بر مصادیق آن مفهوم صدق کند و بر مصادیق مفاهیم دیگر صدق نکند. و به عبارتی مانع اغیار باشد.

نمونه: تعریف آئینه به شی که نور را منعکس می کند درست نیست زیرا تنها بر آئینه صدق نمی کند و سایر اشیا صیقلی رو شامل می شود.

دوری نبودن: تعریف یک چیز با استفاده از خودش مانند زمان: امری که با ساعت که همان ابزار اندازه گیری زمان است سنجیده می شود.

شرایط تعریف صحیح

روش تشخیصی برای جامع بودن و مانع نبودن

مفهوم انار شیرین

سوال اول: آیا همه ی انارها شیرین هستند. بله (جامع است) خیر (جامع نیست)

سوال اول برای دریافت جامع بودن مطرح می شود. که جواب بله شد یعنی جامع است جواب خیر شد یعنی جامع نیست

سوال دوم: آیا فقط انار میوه شیرین است. بله (مانع است) خیر (مانع نیست)

سوال دوم برای مانع بودن مطرح می شود. که جواب بله شد یعنی مانع است و جواب خیر شد یعنی مانع نیست.

تمرین ص ۳۶

انسان : حیوان راست قامت:

زمان: امری است که با ساعت که همان ابزار اندازه گیری است سنجیده می شود:

پرنده: حیوانی که پرواز می کند.

خورشید: سکه طلایی آسمان

یم: قماقم

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA_H00SH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

به نام خدا

درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی

آشنایی با استدلال استقرایی و انواع آن

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این درس بتواند استدلال استقرایی را تعریف کند، تفاوتش با استدلال قیاسی را بیان کند. انواع استدلال استقرایی را در مصادیق تشخیص دهد. بتواند توضیح دهد چرا یک استدلال استقرایی اشتباه است.

۱. محتوای درس:



گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

- سرایت دادن ویژگی یک امر به امر دیگر به دلیل مشابهت میان آنها
- مثال: آهن و جیوه فلز هستند. آهن رسانای الکتریسیته است. (احتمالاً) جیوه رسانای الکتریسیته است
- هر چه مشابهت دو امر بیشتر باشد نتیجه قوی تر است
- گاهی موجب مغالطه تمثیل ناروا میشود.
- در این صورت از طریق:
 ۱. توجه به **وجوه اختلاف**
 ۲. یافتن **مثال مخالف** با آن مقابله میکنیم.

استقرای
تمثیلی

- صدور حکم کلی بر اساس مشاهده چند مورد جزئی با نمونه تصادفی
- مثال: در بررسی ۳۰ دبیرستان از ۱۵۰ دبیرستان، مشخص شد ۶۰ درصد دانش آموزان افت تحصیلی داشته اند. پس ۶۰ درصد دانش آموزان این شهر افت داشته اند.
- شرایط استقرای تعمیمی قویتر:
 ۱. نمونه ها تصادفی باشند
 ۲. دربردارنده همه طیفهای جامعه باشند.
 ۳. تعداد نمونه ها متناسب با تعداد کل جامعه آماری باشد.

استقرای
تعمیمی

- با بررسی احتمال های مختلف، تبیین های اشتباه را حذف میکنیم تا بهترین تبیین را پیدا کنیم.
- مثال: موقع خروج از خانه معمولاً در خانه را قفل میکنم. این بار در را باز میکنم و میبینم قفل نیست. آیا دزدی به خانه آمده است؟ آیا کس دیگری که کلید داشته به خانه آمده است؟ آیا این بار فراموش کرده بودم در را قفل کنم؟ (بهترین تبیین را بر اساس شواهد انتخاب میکنیم) چون چیزی از خانه کم نشده و فرد دیگری هم نیست پس احتمال سوم درست است.

استنتاج
بهترین تبیین

گروه مشاوره فراهوش
 INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
 WEB : FARAHOOSH99.IR

۲. نمونه سوال های بیشتر:

با توجه به قواعد درس استدلال استقرایی بیان کنید : الف. نوع استدلال چیست؟ ب. آیا صحیح است یا ناصحیح و ج. چرا؟

۱. معلم: مگر نگفته بودم که کاغذ تقلب به جلسه امتحان نیاورید!

دانش آموز: آقا اجازه! این یادداشتهای من است؛ اما من از آن استفاده نکردم!

معلم: این حرف تو مثل این است که کسی با اسلحه وارد بانک شود و چون او را به حرم سرقت مسلحانه دستگیر کنند بگوید: «من که به کسی شلیک نکردم!»

۲. تمام محصولات این کارخانه تولید وسایل الکترونیکی دچار نقض فنی است. این هفته یک گوشی تلفن را که از تولیدات این کارخانه بود خریداری کردم و متوجه شدم صدا را خیلی ضعیف به آن طرف منتقل می کند، به طوری که باید داد بزیند. سال گذشته هم از این کارخانه رادیو ضبطی خریدم که موج MW را نمیگرفت و بسته بندی آن هم به خوبی انجام نشده بود.

۳. پژوهشگران ژاپنی در یک سلسله تحقیقات گسترده متوجه این حقیقت شدند که افزایش آپارتمان نشینی در شهرهای مختلف ژاپن موجب افزایش طلاق میشود. محققان یک موسسه پژوهشی که در موضوعات مختلف اجتماعی در کشور ژاپن تحقیق می کند، به طور اتفاقی به این حقیقت پی بردند و متوجه شدند که نمودار افزایش آپارتمان نشینی و افزایش طلاق در دو دهه گذشته تقریباً همیشه با یکدیگر منطبق بوده اند.

۴. مدیریت دبیرستان برای برگزاری کلاسهای فوق برنامه، پرسش نامه ای را با پاسخ بله یا خیر تنظیم کرد که می پرسید آیا مایل به شرکت در کلاسهای فوق برنامه هستید یا خیر. این پرسشنامه در اختیار ۵۰۰ دانش آموز قرار گرفت. ۱۸۴ پاسخنامه به دفتر مدیریت تحویل داده شد که ۱۲۸ نفر (حدود ۷۰ درصد) پاسخ بله داشت. مدیر نتیجه گرفت که ۷۰ درصد دانش آموزان در کلاسهای فوق برنامه ثبت نام خواهند کرد.

۵. من معتقدم که مصرف چای به خاطر اینکه نیکوتین آرامش بخش دارد برای سلامتی مضر است؛ پس پیشنهاد میکنم همان طور که روی پاکتهای سیگار تذکر داده میشود که مصرف دخانیات برای سلامتی مضر است، چنین جمله ای بر روی پاکتها و جعبه های چای نیز درج شود.

۶. خانم الف مسئول سازمان حمایت از کودکان شده است، ولی خودش هیچ بچه ای ندارد. این جریان مثل این است که یک قصاب را مسئول انجمن حمایت از حیوانات کنند.

۳. پاسخ تمرینها:

۱. استقرای تمثیلی. صحیح نیست. برگه یادداشت مثل اسلحه نیست چون اسلحه قابلیت کشتن دیگران را دارد ولی برگه ندارد. (وجه اختلاف) بلکه میتواند مثل کارت شناسایی فرد دیگری باشد که شخصی که وارد بانک شده آن را همراه دارد، اما به جای کارت خودش تحویل متصدی باجه بانک نمیدهد. (تمثیل مخالف)
۲. استقرای تعمیمی. صحیح نیست. زیرا فقط دو وسیله از یک کارخانه در یک مدت طولانی خریداری شده است درحالی که کارخانه سالانه هزاران دستگاه مختلف تولید میکند. پس تعداد نمونه ها با جامعه آماری تناسب ندارد.
۳. استقرای تعمیمی. صحیح نیست. زیرا نمونه های تصادفی و از اقشار مختلف جامعه گردآوری نشده است.
۴. استقرای تعمیمی. صحیح نیست. زیرا نمونه ها با جامعه آماری تناسب ندارد و حدود ۳۰۰ دانش آموز اصلا پاسخنانه تحویل نداده اند.
۵. استقرای تمثیلی. صحیح نیست. زیرا نیکوتین چای به اندازه مواد مضر سیگار نیست. مثل این است که بگوییم چربی کره هم موجب ضرر به بدن میشود پس روی بسته کره بنویسیم برای سلامتی مضر است.
۶. استقرای تمثیلی. صحیح نیست. زیرا قصاب به گوسفندان آسیب میزند اما سازمان حمایت از کودکان نهایتا کمکی به کودکان نمی کند نه اینکه آسیب بزند. به علاوه اینکه برای حمایت از کودکان حتما باید مادر بود مثل این است که بگوییم برای حمایت از حیات وحش حتما باید گیاه خوار بود.

گروه مشاوره فراهوش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR

قضیه حملی

جملات دودسته‌اند: خبری و انشایی

جملات، خبری در مورد عالم واقع می‌دهند و خود این جملات نیز دو دسته‌اند: بامعنا مثل «برف سفید است.» بی‌معنا مثل «رنگ صدا قرمز است»

جملات انشایی، خبری در مورد عالم واقع نمی‌دهند این جملات عبارتند از: امر، نهی، تعجب، استفهام (سوالی) و... مثل ۱- درس بخوان ۲- از قانون سرپیچی نکن، ۳- به به چه غذای خوشمزه‌ای (تعجب) ۴- آیا باران می‌بارد؟

به جملات خبری با معنا، قضیه گفته می‌شود و می‌توانیم درباره صدق (درستی) یا کذب (نادرستی) آنها سخن بگوییم. یعنی می‌توانیم بگوییم صادق (درست) است یا کاذب (نادرست) است. اما در مورد جملات انشایی نمی‌توان گفت درست است یا نادرست، چون در مورد چیزی خبر نداده که بگوییم این خبر درست است یا نادرست.

اقسام قضیه

به قضایای زیر توجه کنید:

- هر مثلثی سه ضلعی است.

- اگر شکلی مثلث باشد، آنگاه سه ضلع خواهد داشت.

در قضیه نخست ویژگی سه ضلع داشتن به مثلث نسبت داده شده است و در قضیه دوم این مطلب به صورت مشروط بیان شده است، بنابراین قضیه دو قسم است:

۱- قضیه حملی: به ثبوت چیزی برای چیزی حکم شده مثل زمین کروی است. ثبوت یعنی داشتن، پس در این مثال حکم کردیم که زمین ویژگی کروی را دارد یا به نفی چیزی از چیزی حکم شده است. مثل برف سیاه نیست. نفی یعنی نداشتن پس در این مثال حکم کردیم که برف ویژگی سیاه را ندارد.

۲- قضیه شرطی: حکم به اتصال دو نسبت می‌کند مثل: اگر تلاش کنی موفق می‌شوی.

«اگر تلاش کنی» یک نسبت قضیه

«موفق می‌شوی» نسبت دیگر قضیه

حکم به انفصال دو نسبت می‌کند. یا عدد زوج است یا عدد فرد است.

«یا عدد زوج است» یک نسبت قضیه
 «یا عدد فرد است» نسبت دیگر قضیه
 در درس ۹ با اقسام قضیه شرطی بیشتر آشنا خواهید شد.

قضیه حملی

قضایای حملی همان جملات خبری در ادبیات هستند. در منطق به نهاد جمله «موضوع»، به مسند آن «محمول» و به فعل ربطی (اسنادی) «رابطه» می‌گویند.

است	درس خوان	دانش آموز	
فعل ربطی	مسند	نهاد	اجزای قضیه در ادبیات
رابطه (نسبت)	محمول	موضوع	اجزای قضیه در منطق

نکته: موضوع آن چیزی است که از آن خبر می‌دهیم.

محمول چیزی است که بوسیله آن خبر می‌دهیم.
 گاهی ممکن است موضوع، اول قضیه نیاید. با استفاده از نکته فوق به راحتی می‌توان موضوع و محمول را تشخیص داد مثل: پایتخت ایران تهران است.

در قضیه فوق از تهران خبر داده شده است، بنابراین تهران موضوع است هر چند در ابتدای قضیه نیامده است. برای تشخیص موضوع و محمول می‌توان سوال کرد چه چیز، چه چیز است؟

همین سوال را در مورد قضیه فوق به کار ببریم، جواب به صورت زیر است، «تهران پایتخت ایران است»

اگر فعل ربطی مثبت باشد، آن قضیه را موجبه می‌گویند مثل: «انسان عالم است» و اگر فعل ربطی منفی باشد آن قضیه را سالبه می‌گویند، مثل: «درخت سنگ نیست»

اقسام قضیه حملی

در درس سوم دانستیم که مفهوم یا جزئی است یا کلی، اگر موضوع قضیه، مفهوم جزئی باشد، آن قضیه شخصی است مثل: «تهران پایتخت ایران است»، «این میز تمیز نیست»؛ چون «تهران» و «این میز» تصور جزئی‌اند، دو قضیه فوق شخصی است.

اگر موضوع قضیه تصور کلی باشد، آن قضیه را محصوره می‌گویند در این حالت قیدی بر سر موضوع می‌آید تا تعداد افراد و مصادیق موضوع را مشخص کند که به آن «سور» می‌گویند، سور «هر» و «هیچ» بیانگر تمام افراد موضوع هستند و سور «بعضی» بیانگر تمام افراد موضوع نیست.

نکته

۱- قضیه حملی بر اساس موضوع به شخصیه (موضوعش تصور جزئی است) و محصوره (موضوعش تصور کلی است) تقسیم می‌شود.

۲- قضیه حملی (چه شخصیه و چه محصوره) بر اساس فعل ربطی به موجبه و سالبه تقسیم می‌شود.

۳- قضیه محصوره بر اساس سور به کلیه و جزئیه تقسیم می‌شود. با توجه به نکات فوق تقسیم‌بندی قضیه حملیه به صورت زیر است.



گروه مشاوره فراهوش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR

احكام قضايا



● در درس ششم منطق خواندیم که قضیه ی محصوره
به چهار دسته تقسیم می شود

● موجه ی کلیه : هر انسانی متفکر است

● موجه ی جزئیه: بعضی انسانها متفکر هستند

● سالبه ی کلیه:هیچ انسانی متفکر نیست

● سالبه ی جزئیه: بعضی انسانها متفکر نیستند

● اگر به یاد داشته باشید در مبحث قضایا گفتیم که می

توان در مورد صدق و کذب قضایا قضاوت کرد یعنی

گفت کدام درست است و کدام غلط است

هر فلزی رسانا است

فلز: موضوع

رسانا: محمول

صادق

بعضی فلزها رسانا هستند

فلز: موضوع

رسانا: محمول

کاذب

هیچ فلزی رسانا نیست

فلز: موضوع

رسانا: محمول

کاذب

بعضی فلزها رسانا نیستند

فلز: موضوع

رسانا: محمول

کاذب

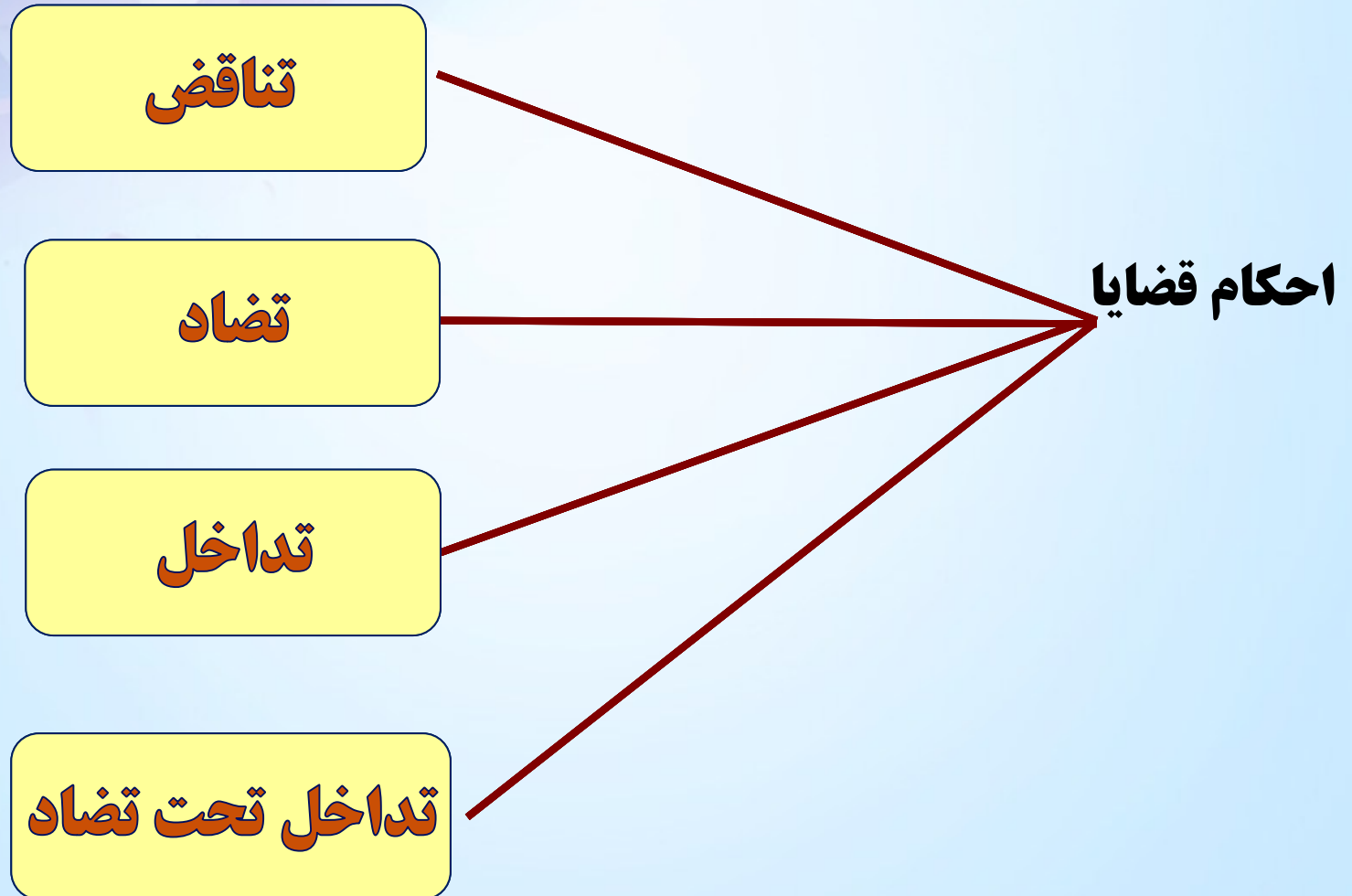
اگر دقت کنید قضایای که مثال زدیم دارای موضوع و محمول

های یکسان هستند اما سور و کیف آنها با هم فرق دارد

به تغییراتی که در کم و کیف قضیه هایی که دارای موضوع و

محمول یکسان دارند اتفاق می افتد احکام قضایا می گویند

احکام قضایا به چهار دسته تقسیم می شود



تناقض

تناقض زمانی اتفاق می افتد که در دو قضیه ای که موضوع و محمول آنها یکسان هست هم کیفیت قضیه (موجب و سالبه بودن) ، هم کمیت قضیه (کلی و جزئی بودن) آنها را تغییر دهیم

پس در رابطه ی تناقض هم کیف عوض می شود هم کم!!

مثال: هر درختی گیاه است ← بعضی درختها گیاه نیستند

دقت کنید که سور کلی قضیه تبدیل به جزئی شد و قضیه موجب تبدیل به سالبه

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

شد

رابطه ی تناقض در قضایای محصوره

پس رابطه ی تناقض در قضایای محصوره به این صورت است:

موجبه ی کلیه ← **سالبه ی جزئی**

هر انسانی متفکر است ← بعضی انسانها متفکر نیستند

موجبه جزئی ← **سالبه ی کلیه**

بعضی گیاهان سمی هستند ← هیچ گیاهی سمی نیست

سالبه ی کلیه ← **موجبه ی جزئی**

هیچ کتابی مفید نیست ← بعضی کتابها مفید هستند

سالبه ی جزئی ← **موجبه ی کلیه**

بعضی میوها شیرین نیستند ← هر میوه ای شیرین است

رابطه ی تناقض در قضیه ی شخصی

در رابطه ی تناقض در قضیه های شخصی فقط و فقط و فقط نسبت (کیفیت،
موجبه و سالبه بودن) قضیه را تغییر می دهیم ؛ چون در قضیه شخصی
، موضوع قضیه مشخص و معین است و کمیت مطرح نیست ؛ فقط کیف قضیه را
عوض می کنیم (روی این نکته خوب دقت کنید)

سالبه ی شخصی

تناقض

موجبه ی شخصی

مریم درس خوان نیست

تناقض

مریم درس خوان است

رابطه ی صدق و کذب در تناقض

فراهوش

در رابطه ی تناقض بین دو قضیه ؛ اگر یکی از قضیه **صادق** باشد؛ حتماً حتماً قضیه ی دیگری **کاذب** است و اگر یک قضیه **کاذب** باشد؛ حتماً حتماً قضیه ی دیگری **صادق** است

محال و غیر ممکن است که هر دو قضیه صادق و درست باشند!! همچنین محال است که هر دو قضیه کاذب و غلط باشند

اگر قضیه ای صادق باشد حتماً تناقض آن کاذب است و اگر قضیه ای کاذب باشد

تناقض آن حتماً صادق است

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

کاذب ← → صادق

پس در تناقض:

جزئیہ

کلیہ

کلیہ

جزئیہ

سالہ

موجبہ

موجبہ

سالہ

کاذب

صادق

تضاد

رابطه ی تضاد؛ فقط بین دو قضیه ی کلی برقرار می شود، در تضاد؛ به هیچ وجه ، هرگز ، هرگز ، هرگز قضیه ی جزئی نداریم در رابطه ی تضاد فقط و فقط کیفیت (موجب و سالبه بودن فعل) قضیه را تغییر می دهیم و کاری به کمیت (سور کلی و جزئی بودن) آن نداریم چون سور دو قضیه متضاد همیشه کلی است

هیچ انسانی متفکر نیست
(سالبه ی کلیه)

تضاد(متضاد)

هر انسانی متفکر است
(موجبه ی کلیه)

پس دقت کنید که :::::::::::

**تضاد فقط در قضیه های موجبه کلیه و سالبه
کلیه است!!!!!!!**

**ما در رابطه ی تضاد به هیچ وجه با موجبه جزئیه
و سالبه جزئیه سر و کار نداریم!!!!!!!**

**دقت کنید که تضاد فقط و فقط و فقط در قضیه هایی اتفاق می افتد
که سور آنها کلی باشد (به علامت فلش دقت داشته باشید)**



**هر گاوی علفخوار است ← تضاد ← هیچ گاوی علفخوار نیست
پس ؛؛ فقط با تغییر کیفیت قضیه ی کلی به قضیه ی متضاد آن می رسیم**

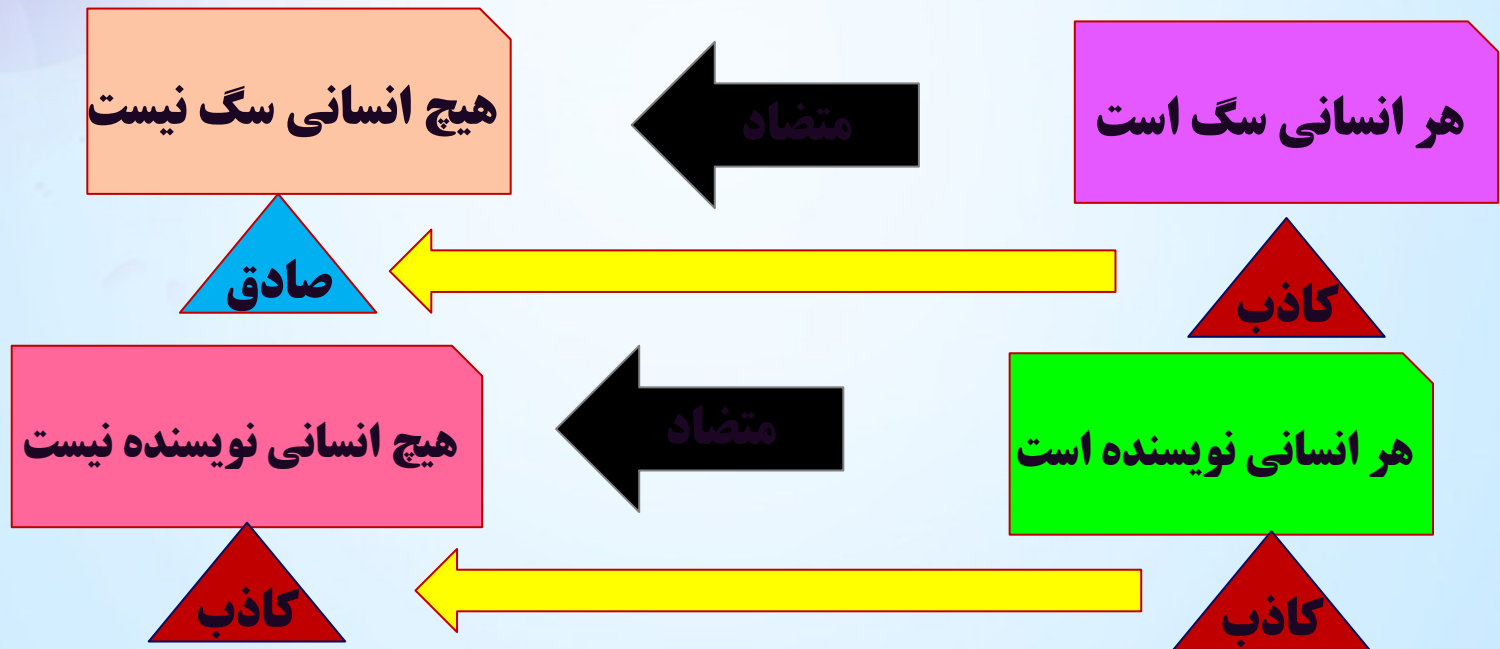
صدق و کذب در رابطه ی تضاد

در رابطه ی تضاد بین دو قضیه؛ اگر قضیه ی اول صادق و درست باشد؛ قضیه ی دوم حتماً حتماً غلط و کاذب است



دقت کنید قضیه ی اول درست و صادق است؛ پس قضیه ی متضاد آن ضرورتاً کاذب و غلط است (به علامت فلش توجه کنید قضیه ای که قبل از فلش قرار دارد اصل قضیه است و قضیه بعد از فلش نتیجه ی قضیه است)

اما اگر قضیه ی اول کاذب و دروغ باشد؛ صادق و کاذب بودن قضیه دوم نامعلوم است؛ چون گاهی اوقات متضاد قضیه صادق و درست و گاهی اوقات متضاد قضیه کاذب و غلط می شود ، به همین دلیل به هیچ وجه از کذب اصل قضیه نمی توان به صدق یا کذب متضاد آن پی برد

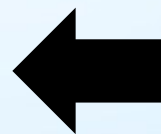


دقت کنید در مثال اول اصل قضیه کاذب و متضاد آن صادق شده اما در مثال دوم اصل قضیه کاذب و متضاد آن هم کاذب شده!!!!!!!

در منطق به دنبال یک قانون کلی هستیم ؛ در تضاد از صادق بودن
به کاذب بودن می رسیم اما از کاذب بودن به صادق بودن نمی
رسیم

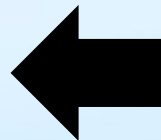
پس براین اساس در قضیه ای که اصل آن **کاذب** باشد خیال خود را
راحت می کنیم و می گوئیم **متضاد آن نامعلوم است!!!**

کاذب



صادق

نامعلوم (?)



کاذب

تداخل

در تداخل فقط کمیت (سور جزئی و کلی بودن) قضیه را تغییر می دهیم اما کیفیت قضیه را به هیچ وجه تغییر نمی دهیم
پس؛ هر گاه کیفیت (موجب و سالبه بودن قضیه) قضیه را تغییر ندهیم و فقط کمیت را تغییر دهیم به قضیه متداخل دست یافته ایم

بعضی فلزها رسانا هستند

تداخل

هر فلزی رسانا است

بعضی مربعها مثلث نیستند

تداخل

هیچ مربعی مثلث نیست

تداخل قضیه های محصوره به این صورت است



صدق و کذب در تداخل

در تداخل بین دو قضیه به دقت توجه کنید

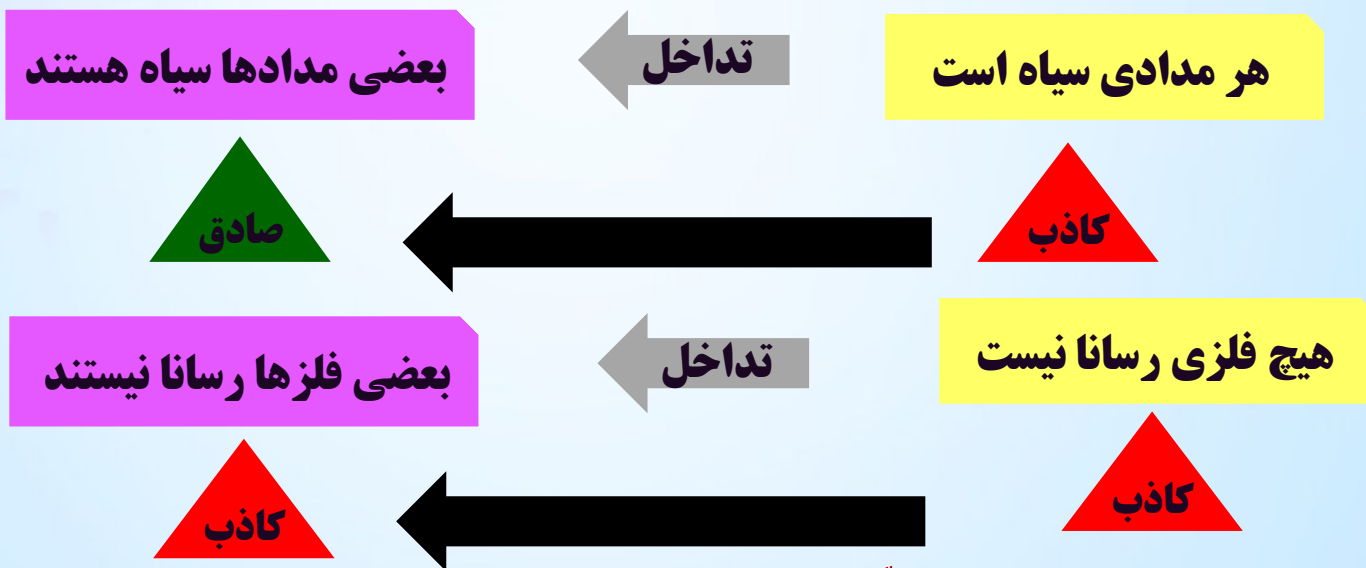
❖ اگر اصل قضیه کلی باشد (یعنی سور آن کلیه باشد) و درست و صادق باشد؛ قضیه
ی متداخل آن هم صادق است



❖ یعنی اگر مجموعه ای به صورت کلی صادق باشد و ما از کل مجموعه چند مورد
را انتخاب کنیم و در مورد آنها حکم دهیم باز هم صادق است!!!

❖ پس: در تداخل صدق کلی همیشه صدق جزئی را به دنبال دارد!!!

❖ در تداخل؛ اگر اصل قضیه کلی (موجه ی کلی، سالبه ی کلی) باشد و کاذب و غلط باشد؛؛ قضیه ی متداخل آن نامعلوم است یعنی قضیه متداخل آن در این حالت گاهی درست و صادق و گاهی غلط و کاذب می شود (به همین دلیل با وجود شرایط بالا با خیال راحت می گوئیم صدق و کذب قضیه ی متداخل در این حالت نامعلوم است)



❖ پس در تداخل از کذب کلی نمی توان به نتیجه ای مشخص دست یافت

در تداخل بین دو قضیه ، اگر اصل قضیه ، جزئی (موجه ی جزئی ، سالبه ی جزئی) باشد و صادق باشد قضیه ی متداخل آن نیز نامعلوم است چون گاهی اوقات صادق و گاهی کاذب است

مانند:

هر فلزی رسانا است

صادق

بعضی فلزات رسانا هستند

صادق

اما گاهی اوقات از صدق جزئی به کذب کلی می رسیم که این قانون غلط است:

هر دانش آموزی تنبل هست

کاذب

بعضی دانش آموزان تنبل هستند

صادق

پس در تداخل از صدق جزئی به صدق کلی نمی رسیم و نمی توانیم حکمی صادر کنیم

در تداخل هر گاه قضیه ، جزئی (موجبه ی جزئی، سالبه ی جزئی) باشد و کاذب باشد ؛ قضیه ی متداخل آن که کلیه می شود ، هم کاذب است



مثال نقض

در تداخل از کذب کلی به کذب کلی نمی توان حکمی را صادر کرد و قانون کلی نداریم

فراهوش

اما از کذب جزئی به کذب کلی می رسیم

مانند: بعضی فلزات رسانا هستند هیچ فلزی رسانا نیست

در منطق ، در تمام موارد اگر جزئی کاذب باشد ، کلی هم کاذب می شود که به این حالت مثال نقض می گوئیم

یعنی اگر بخواهیم کلیت یک قضیه را نقض کنیم کافی است یک یا دو مورد کاذب از آن مثال پیدا کنیم و کل آن حکم را زیر سؤال ببریم به همین دلیل از کذب جزئی کذب کلی نتیجه به دست می آید

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

مثلاً اگر ادعا کنیم که میوه های این باغ همه انار شیرین و سالم هستند ، شخصی یک انار فاسد پیدا کند و بگوید این انار فاسد است ، پس این انارها فاسد هستند

فراهوش

پس؛ در مثال نقض ؛ حکم کلی را به وسیله ی آوردن یک مثال

باطل می کنیم

فردی بگوید هیچ کتابی بیشتر از ۲۰۰ صفحه ندارد ، ما در جواب

بگوییم . کتاب منطق ما ۱۱۸ صفحه دارد (به راحتی می توانید مثالهای

مختلف بزنید سعی کنید چند مثال زیبا بزنید)

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

مغالطه ی استثنای قابل چشم پوشی

اگر کسی قضیه ای را به طور کلی مطرح کند و ما برای آن مثال نقض بیاوریم ،
برای آن استثنا بیاوریم و او استثنا را قبول نکند به آن مغالطه ی استثنای قابل
چشم پوشی گفته می شود

مثال: در یک رستوران صاحب رستوران تبلیغ کند که همه ی مشتریان از کیفیت غذای ما راضی
هستند. شخصی بگوید: پس چرا دیروز یک نفر اعتراض کرد؟
صاحب رستوران جواب بدهد: او یک استثنا هست!

پس: هرگاه برای ادعایی به صورت کلی مطرح شود، یافتن یک مثال نقض آن
حکم کلی را باطل می کند، در صورتی که با وجود پیدا شدن استثنایی در یک
حکم کلی همچنان بر حکم خود اصرار کنیم دچار مغالطه ی استثنای قابل

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

چشم پوشی شده ایم

تداخل تحت تضاد

در تداخل تحت تضاد سور هر دو قضیه جزئی است و فقط و فقط نسبت بین دو قضیه را تغییر می دهیم

بعضی در ختان میوه دار نیستند

تداخل تحت تضاد

بعضی در ختان میوه دار هستند

در مورد صدق و کذب تداخل تحت تضاد

اگر اصل قضیه صادق باشد؛ تداخل تحت تضاد آن نامعلوم است و اگر اصل

قضیه کاذب و غلط باشد تداخل تحت تضاد آن صادق است

عکس مُستوی

در صورتی که جای موضوع و محمول قضیه ی حملی را تغییر دهیم ؛ عکس مُستوی آن قضیه به دست می آید

دقت کنیم در عکس مستوی به هیچ وجه کیفیت قضیه (موجب و سالبه بودن قضیه) را تغییر نمی دهیم فقط و فقط و جای موضوع و محمول را عوض می کنیم



در مثال بالا دقت کنید : جای موضوع و محمول عوض شد اما کیف قضیه تغییری نکرد

صدق و کذب و سور در عکس مستوی

❖ در عکس مستوی صدق و کذب قضیه تغییری نمی کند ، یعنی اگر اصل قضیه

صادق باشد ؛ عکس مستوی آن نیز صادق است و اگر اصل قضیه کاذب باشد

باید عکس مستوی آن نیز کاذب باشد(به این نکته خوب دقت کنید)

❖ در عکس مستوی کمیت قضیه(سور کلی و جزئی) تغییر نمی کند و سور در

همه قضایا به صورت یکسان است ، جز در «موجبه کلیه»

❖ فقط و فقط و فقط در موجبه کلیه کمیت و سور آن به جزئی تغییر می کند ؛

به این دلیل که اگر در عکس مستوی موجبه ی کلی ؛ سور قضیه به صورت

کلی باشد صدق و کذب قضیه دچار اشکال می شود به همین دلیل عکس

مستوی موجبه ی کلی به موجبه ی جزئی تغییر می کند

عکس مستوی در قضایای محصوره

رابطه ی عکس مستوی در قضایای محصوره به این صورت است:



مثال در مورد عکس مستوی در قضایای محصوره

چند مثال در مورد عکس قضایای محصوره

بعضی شکله مثلث هستند

عکس مستوی

هر مثلثی شکل است

بعضی شیرین ها میوه هستند

عکس مستوی

بعضی میوه ها شیرین هستند

هیچ اسبی گاو نیست

عکس مستوی

هیچ گاو اسب نیست

عکس لازم الصدق ندارد

عکس مستوی

بعضی رنگها سبز نیستند

نکته مهم

**در عکس مستویِ سالبه جزئیه چون اکثر اوقات در
صدق و کذبِ عکس قضیه مشکل به وجود می آید و
قضیه از نظر صادق و کاذب بودن دچار اشکال می
شود؛ به همین خاطر در مورد سالبه ی جزئیه به هیچ
وجه عکس نمی گیریم**

مغالطه ی ایهام انعکاس

در صورتی که در جابجا کردن اجزای قضیه ، قاعده ی عکس مستوی را به درستی رعایت نکنیم دچار مغالطه ی ایهام انعکاس می شویم
مثلا در عکس مستوی موجه کلیه قاعده ای را که ذکر کردیم را رعایت نکنیم و عکس موجه کلیه را به صورت موجه ی کلیه بگیریم
یا اینکه از سالبه ی جزئی که عکس لازم الصدق ندارد، عکس مستوی بگیریم

همه درختان گیاه هستند ← عکس مستوی همه ی گیاهان درخت هستند

مغالطه ی ایهام انعکاس : چون عکس موجه کلی : موجه ی جزئی است و در این مثال به صورت موجه ی کلی آمده

بعضی انسانها کودک نیستند ← عکس مستوی بعضی کودکا انسان نیستند

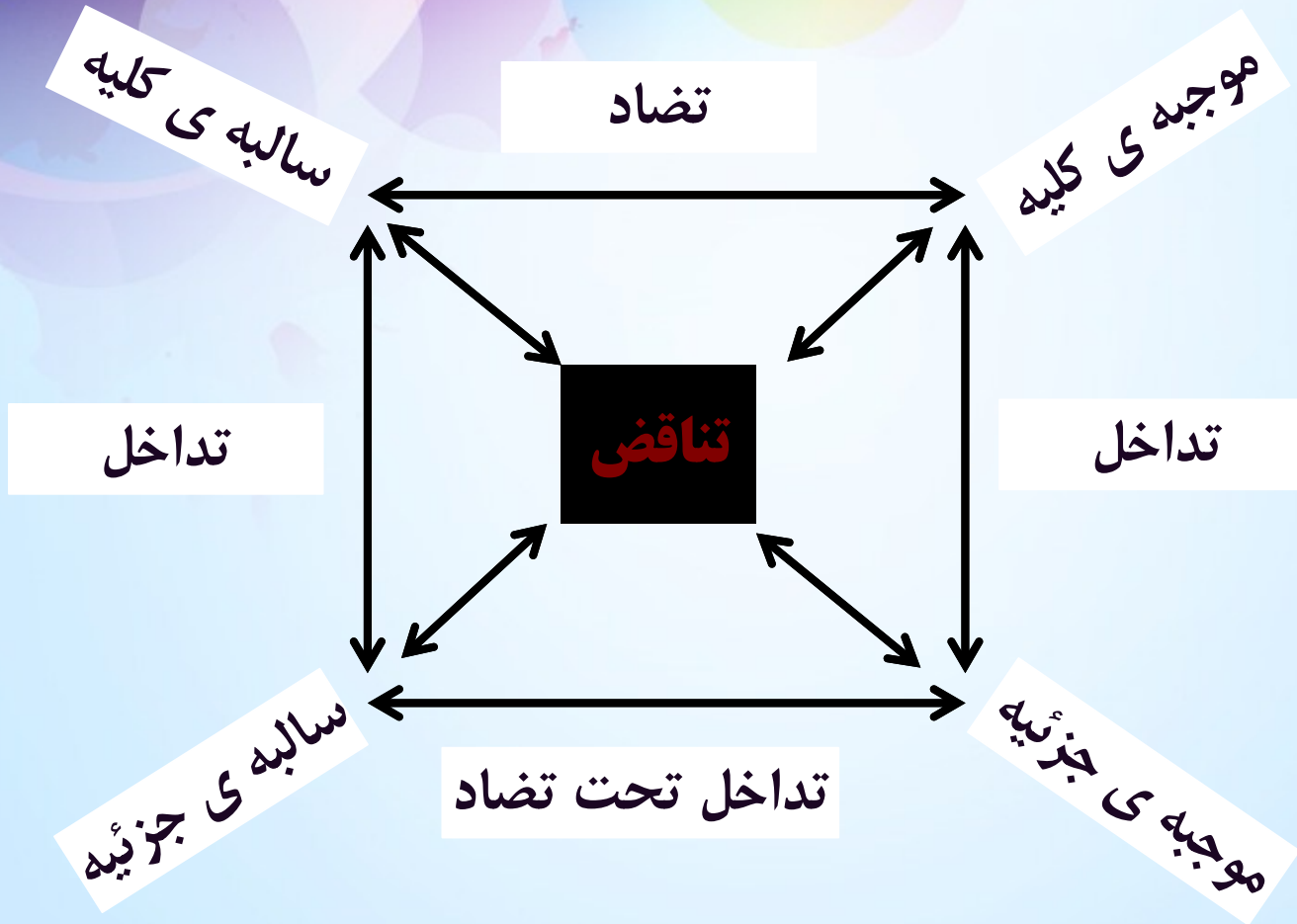
مغالطه ی ایهام انعکاس است : چون سالبه ی جزئی عکس لازم الصدق ندارد

گروه مشاوره فراهوش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

مربع تقابل

در مربع تقابل اگر دقت کنید رابطه ی دو به دو بین قضایا مشاهده می کنید که بین طرفین هر ضلع رابطه ای وجود دارد. با دقت به ضلعها و طرفین آنها دقت کنید



❖ اگر در مربع تقابل دقت کنید متوجه می شوید که:

❖ طرفین ضربدر وسط مربع حالت تناقض دارد

موجبه کلی \longleftrightarrow سالبه جزئی (تناقض)

سالبه ی کلی \longleftrightarrow موجبه ی جزئی (تناقض)

❖ ضلع های عمودی نشان از حالت تداخل دارد

موجبه ی کلی \longleftrightarrow موجبه ی جزئی (تداخل)

سالبه ی کلی \longleftrightarrow سالبه ی جزئی (تداخل)

❖ ضلع افقی بالا حالت تضاد را نشان می دهد

موجبه ی کلی \longleftrightarrow سالبه ی کلی (تضاد)

❖ ضلع افقی پایین حالت تداخل تحت تضاد را نشان می دهد

موجبه ی جزئی \longleftrightarrow سالبه ی جزئی (تداخل تحت تضاد)

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM: FARAHOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR